

Aspectual Interpretation of Achievement and Accomplishment Predicates in the Presence of Durative Phrase: A Minimalist Approach

Vol. 14, No. 6, Tome 78
pp. 373-403
January & February
2024

Masoumeh Aminifar¹ , Zahra Abolhassani Chimeh^{*2} , & Bahram Modarresti³ 

Abstract

Aspect is one of the most important structural and semantic features of the verbs. the ‘durative phrase’ and its effect on the aspectual interpretation of different verbs is amongst important issues in surveying lexical aspect too. In order to determine the effect of durative phrase on the aspectual interpretation of sentences which include achievement and accomplishment, the present research aims to analyze aspectual interpretation of telic predicates (achievement and accomplishment) in the presence of the durative phrase in Persian. The results of the analysis based on MacDonald’s (2008) approach and within the Minimalist Program framework showed that appending durative phrase to reversible achievements and cyclic achievements leads to end-time interpretation while its presence in overthrowing irreversible achievement leads to atelic single event interpretation. The analyzing of accomplishment predicates showed that, like achievement predicates, the effect of the presence of durative phrase not only depends on the quantitative and non-quantitative feature of the object but also it depends on the nature in terms of reversibility or irreversibility.

Keywords: aspect, lexical aspect, aspectual interpretation, durative phrase, Minimalist Program

Received: 21 April 2022
Received in revised form: 29 July 2022
Accepted: 6 September 2022

¹ PhD Candidate in Linguistics, Faculty of literature and Humanities Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran;

ORCID ID: <http://orcid.org/0005-7245-6482>

² Corresponding Author, Associate Professor of Linguistics, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: zahra.abolhasani@ut.ac.ir; ORCID ID: <http://orcid.org/0000-0001-5834-8649>

³ Assistant Professor of Linguistics, Faculty of Literature and Foreign Language, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran;

ORCID ID: <http://orcid.org/0009-0002-7779-3582>

1. Introduction

In different languages of the world, aspect is one of the most important structural and semantic features of the verb which encodes in different ways. In domain studies of aspects, linguists distinguish between grammatical and lexical aspects. The lexical aspect which is the intrinsic and semantic feature of the verb refers to the time structure of the event but the grammatical aspect appears in the surface sentence and shows the viewpoint of the speaker toward the sentence time structure. According to lexical aspect, verbs are divided into four groups. State and activity predicate which are telic and achievement and accomplishment predicate which are atelic. “Durative phrase” and its effect on aspectual interpretation is one of the topics which are mentioned in surveying the verb aspectual interpretations. The main goal of the current research is surveying the aspectual interpretation of achievement and accomplishment which are telic predicates in the presence of a durative phrase and what is the effect of adding a durative phrase on the sentence which contains achievement and accomplishment predicates. Surveying this topic will be done according to Mac Donald’s approach (2008) which has been mentioned in the Minimalist Program General Framework.

1.2 Research Questions and Hypotheses

The main question that this research tries to answer is what is the effect of adding a durative phrase on the achievement and accomplishment predicates? The primary hypothesis is the durative phrase is compatible with both achievement and accomplishment telic predicates.

2. Literature Review

Non-Iranian researchers like Alsina (1999), Ramchand (2003), borer (2005), Thompson (2006) and MacDonald (2008) have presented different syntactic and semantic analyses of lexical aspects. Mainly Iranian researchers have

classified verbs based on their event and aspectual structure in Persian. According to reviewed research, research about aspectual interpretation of achievement and accomplishment predicates in the presence of durative phrases hasn't been surveyed in Persian yet.

3. Methodology

The methodology of this research is analytic-descriptive. For this purpose, in this research, we scrutinized the effect of durative phrases in Persian sentences that contain achievement and accomplishment predicates in the Minimalist Approach Framework.

4. Results

The result of this research shows that appending durative phrase to reversible achievements and cyclic achievements leads to end-time interpretation while its presence in overthrowing irreversible achievement leads to atelic single event interpretation. However, destructive irreversible achievements and some overthrowing irreversible achievements that have momentary nature aren't compatible with durative phrases. The analysis of accomplishment predicates shows that, like achievement predicates, the effect of the presence of a durative phrase not only depends on the quantitative and non-quantitative features of the object, but also depends on the nature in terms of reversibility or irreversibility. Against Mac Donald's overgeneralization, there are some exceptions and violation cases about the aspectual interpretation of accomplishment predicates in the Persian language. Finally, according to the impact of internal arguments and the nature of predicates, the presence of a durative phrase is effective on the aspectual interpretation of achievement and accomplishment predicates.

خوانش نمودی محمول‌های حصولی و غایتمند در حضور عبارت تداومی؛ رویکردی کمینه‌گرا

معصومه امینی فر^۱، زهرا ابوالحسنی چیمه^{۲*}، بهرام مدرسی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

چکیده

مفهوم نمود یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری و معنایی فعل‌هاست. بحث عبارت تداومی و تأثیر آن بر خوانش نمودی انواع افعال نیز از جمله مباحث مهم در بررسی نمود واژگانی بهشمار می‌رود. هدف پژوهش حاضر این است که به بررسی خوانش نمودی محمول‌های حصولی و غایتمند، که هردو از نوع نهایت‌پذیرند، در حضور عبارت تداومی در زبان فارسی پیرامون تاشخص شود که افزودن یک عبارت تداومی به جمله حاوی محمول حصولی یا غایتمند چه تأثیری بر خوانش نمودی آن خواهد داشت. تنایج این تحلیل که براساس رویکرد مکدونالد (2008) و در چارچوب برنامه کمینه‌گرا انجام شده است نشان داد که افزودن عبارت تداومی به محمول‌های حصولی تکرارشدنی و چرخه‌ای به خوانش «پایان زمان» منجر می‌شود، اما در کنار محمول‌های حصولی تکرارشدنی اضمحلالی خوانش نهایت‌پذیر تکرویداری به دست می‌دهد. بررسی تأثیر حضور عبارت تداومی بر خوانش نمودی محمول‌های غایتمند نیز نشان داد که خوانش نمودی این محمول‌ها هم مانند محمول‌های حصولی در حضور عبارت تداومی نه تنها به نوع مفعول (از لحاظ کمیت‌دار بودن یا نبودن) بستگی دارد، بلکه به ماهیت خود رویداد نیز بستگی دارد که آیا تکرارپذیر است یا تکرارناپذیر.

واژه‌های کلیدی: نمود، نمود واژگانی، خوانش نمودی، عبارت تداومی، برنامه کمینه‌گرا.

نویسنده مسئول مقاله:

E-mail: | cj tcQedqj cuoplkB wQrekt

۱. مقدمه

مفهوم نمود^۱ یکی از ویژگی‌های ساختاری و معنایی فعل است که در زبان‌های مختلف جهان به شیوه‌های گوناگون رمزگذاری می‌شود. در حوزه مطالعاتی نمود، زبان‌شناسان میان نمود دستوری^۲ و نمود واژگانی^۳ تمايز قائل می‌شوند. نمود واژگانی به ساختار زمانی یک موقعیت یا رویداد اشاره دارد و به عبارت دیگر، جزء ویژگی‌های ذاتی و معنایی فعل است، اما نمود دستوری در سطح جمله ظهور پیدا می‌کند و دیدگاه گوینده را نسبت به ساختار زمانی جمله نشان می‌دهد. فعل‌ها از لحاظ نمود واژگانی به چهار دستهٔ ایستا^۴، فعالیتی^۵، حصولی^۶ و غایتمند^۷ تقسیم می‌شوند که دو دستهٔ اول از نوع نهایت‌ناپذیر^۸ و دو دستهٔ دوم از نوع نهایت‌پذیر^۹ به حساب می‌آیند.

یکی از مباحثی که در بررسی خوانش نمودی افعال مطرح می‌شود، بحث «عبارت تداومی»^{۱۰} و تأثیر آن بر خوانش نمود انواع محمول‌های حصولی است. هدف اصلی که در پژوهش حاضر دنبال می‌شود این است که خوانش نمودی محمول‌های حصولی و غایتمند را که هردو نهایت‌پذیر به شمار می‌آیند، در حضور عبارت تداومی بررسی کنیم و ببینیم که افزودن یک عبارت تداومی به جملهٔ حاوی محمول حصولی یا غایتمند چه تأثیری بر خوانش نمودی آن خواهد داشت. بررسی این موضوع براساس رویکرد مک دونالد (MacDonald, 2008, pp.32-54) انجام خواهد شد که در چارچوب کلی برنامهٔ کمینه‌گرا^{۱۱} مطرح شده است. پرسش اصلی که این پژوهش می‌کوشد به آن پاسخ دهد این است که افزودن عبارت تداومی به محمول‌های حصولی و غایتمند زبان فارسی چه تأثیری بر خوانش نمودی این محمول‌ها دارد؟ فرضیه اولیهٔ پژوهش این است که عبارت تداومی با هر دو نوع محمول نهایت‌پذیر حصولی و غایتمند سازگار است. در پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی انجام می‌شود، ابتدا مروری اجمالی بر پژوهش‌های مرتبط با نمود و بهویژه نمود واژگانی در زبان فارسی و سایر زبان‌های ایرانی و همچنین مطالعات خارجی در زمینهٔ جایگاه نحوی عبارت‌های تداومی و تأثیر آن‌ها بر خوانش نمودی جمله ارائه خواهد شد. سپس مبانی نظری پژوهش شامل طبقه‌بندی افعال از لحاظ نمود واژگانی، نقش عبارت تداومی در خوانش نمودی جمله و نیز دیدگاه مکدونالد (2006, 2008)



درباره تأثیر عبارت تداومی بر خواش نمودی مطرح خواهد شد. در مرحله بعد، با ذکر مثالهایی، تأثیر حضور عبارت تداومی در جملات حاوی محمولهای حصولی و غایتمند زبان فارسی در چارچوب رویکرد کمینه‌گرا بررسی خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

درباره مقوله نمود واژگانی در زبان فارسی چندین پژوهش در چارچوبهای زیشی و نقشگرا انجام شده است، اما هیچ یک از آن‌ها به بررسی تأثیر حضور عبارت تداومی بر خواش نمودی محمولهای حصولی و غایتمند نپرداخته‌اند. از دیدگاه ابوالحسنی چیمه (۱۳۹۰) افعال فارسی را از لحاظ نمود واژگانی می‌توان به دو دسته‌ای کلی ایستا و پویا تقسیم کرد. سپس هر کدام از این طبقه‌ها را می‌توان دارای زیرطبقه‌هایی دانست. افعال پویا می‌توانند لحظه‌ای یا تداومی باشند، به گونه‌ای که افعال لحظه‌ای خود قابل تفکیک به لحظه‌ای کوتاه و فرایندی -لحظه‌ای هستند و افعال تداومی نیز مشتمل بر نهایت‌پذیر و نهایت‌ناپذیر. ابوالحسنی در کار خود از چارچوب مشخصی استفاده نکرده و با توجه به مفهوم کلی افعال به طبقه‌بندی آن‌ها پرداخته که این مسئله در برخی موارد باعث خلط نمود واژگانی و دستوری با یکدیگر شده است. وی همچنین در بیان معیارهای تشخیص افعال تداومی نهایت‌ناپذیر به معیارهایی اشاره کرده است که در مورد تمام افعال نهایت‌ناپذیر عمومیّت ندارد. چراغی و کریمی‌دوستان (۱۳۹۲) در چارچوب رویکرد کرافت^{۱۳} (۲۰۱۲)، فعل‌های زبان فارسی را از لحاظ ساخت نمودی مشتمل بر چهار طبقه اصلی و ده طبقه فرعی دانسته‌اند که طبقات اصلی عبارت‌اند از: ایستا، حصولی، غایتمند و فعالیتی. پژوهش چراغی و کریمی‌دوستان از آنجایی که برای نخستین بار به طبقه‌بندی افعال در دو بُعد زمان و بُعد مراحل کیفی و تغییراتی که در یک رویداد رخ می‌دهند به لحاظ ساخت نمودی پرداخته است، پژوهشی ارزشمند است.

صفا و فلاحتی (۱۳۹۵) فعل «شدن» را یکی از مهمترین افعال در زبان فارسی دانسته‌اند که از لحاظ نمودی می‌تواند ارزش‌های مختلفی داشته باشد. یکی از نمودهایی که در ترکیبات فعل «شدن» یافت می‌شود نمود لحظه‌ای - تداومی است که این محققان آن را در مورد فعل «شدن» بررسی کرده‌اند. نقطه قوت پژوهش صفا و فلاحتی در این است که پس از بررسی اینکه کدام گروه از ترکیبات فعل «شدن» می‌توانند بیانگر نمود لحظه‌ای - تداومی باشند، به نقش

گفته‌پردازی و اهمیت بافت جمله در تعیین ارزش نمودی افعال پرداخته و نشان داده‌اند که یک فعل با زمان دستوری واحد در بافت‌های مختلف می‌تواند ارزش‌های نمودی متفاوتی به خود بگیرد. برزگر و کریمی‌دوستان (۱۳۹۶) در بررسی نمود واژگانی در افعال مرکب مشتق از صفت در زبان فارسی، پس از بررسی دیدگاه‌های رایج در این زمینه که برخی از آن‌ها همکرد را عامل تعیین‌کننده نمود واژگانی این نوع از افعال مرکب دانسته و برخی دیگر عنصر پیش‌فعل را تعیین‌کننده نمود واژگانی درنظر گرفته‌اند، با قرار دادن افعال مرکب مشتق از صفت در معرض آزمون‌های نهایت‌پذیری نشان داده‌اند که دیدگاه مبتنی بر ساخت مدرج که در آن ویژگی‌های معنایی صفت پایه‌ فعل لحاظ شده باشد، از مبنای نظری محکم‌تری در تبیین نمود واژگانی افعال مرکب مشتق از صفت برخوردار خواهد بود.

برزگر و همکاران (۱۴۰۰) در بررسی افعال مرکب مشتق از اسم در زبان فارسی براساس «رویکرد نحو مرحله‌ای» نخست که در آن مقوله اسم براساس ساخت رویدادی در قالب دو طبقهٔ فرایندی و غایتمند طبقه‌بندی شده است به این نتیجه دست یافتد که نهایت‌پذیری در افعال مرکب مشتق از اسم رویدادی در زبان فارسی اساساً تابعی از پیش فعل آن‌هاست. افعال مشتق از اسم فرایندی دارای خوانش نهایت‌نایپذیر و افعال مشتق از اسم غایتمند دارای خوانش نهایت‌پذیرند. نتایج این پژوهش از یک سو حاکی از ختی بودن فعل سبک در تعیین نهایت‌پذیری فعل مرکب است و از سوی دیگر برخلاف دیدگاهی است که در آن تمامی افعال مرکب مشتق از اسم رویدادی نهایت‌پذیر انگاشته شده‌اند. لطفی و همکاران (۱۴۰۰) با رویکردی توصیفی - تحلیلی به بررسی و طبقه‌بندی انواع نمود واژگانی فعل در گویش لکی براساس چارچوب کرافت (2012) پرداخته و در پژوهش خود نشان داده‌اند که گویش لکی دارای چهار گروه اصلی نمود واژگانی شامل ایستا، فعالیتی، غایتمند و حصولی و ده زیرگروه فرعی است. موضوع پژوهش لطفی، مشابه پژوهش چراغی (۱۳۹۲) درمورد افعال زبان فارسی است، اما در گویش لکی کاری نو به شمار می‌آید.

جایگاه نحوی عبارت‌های تداومی و تأثیر آن‌ها بر خوانش نمودی جمله همواره یکی از موضوعات بحث‌برانگیز و جالب توجه در زبان‌های مختلف جهان بوده است و پژوهشگران مختلف تحلیل‌های متفاوتی از جنبه‌های نحوی و معنایی آن‌ها ارائه داده‌اند که از آن جمله



می‌توان به آلسینا^{۱۴} (1999)، رامچند^{۱۵} (2003)، بور^{۱۶} (2005)، تامپسون^{۱۷} (2006) و مکدونالد (2008) اشاره کرد. پژوهش درباره این موضوع در سال‌های اخیر و در زبان‌های مختلف ادامه داشته است که در ادامه، برخی از آن‌ها را از نظر می‌گذرانیم.

مگردمیان^{۱۸} (2001) در بحث پیرامون نقش افعال سبک فارسی در ساخت رویدادی محمول‌های مرکب از آزمون‌های «قید ظرف زمان»^{۱۹} و «عبارت تداومی» برای ارزیابی این موضوع استفاده کرده است. مگردمیان با ارائه مثال‌های همچون موارد زیر، تأثیر عبارت تداومی را بر خوانش نمودی جملات فارسی نشان داده است.

(۱) الف- دست داریوش در یک ثانیه / * برای ساعت‌ها درد گرفت.

ب- داریوش ساعت‌ها / * در یک ثانیه درد کشید.

در این دو مثال فعل سبک «گرفتن/کشیدن» تعین‌کننده خوانش نمودی محمول به لحاظ نهایت‌پذیری است. در مثال الف محمول مرکب «درد گرفتن» نهایت‌پذیر است و با قید ظرف زمان سازگاری دارد در حالی که در مثال ب محمول مرکب «درد کشیدن» نهایت‌ناپذیر بوده و به همین دلیل با عبارت تداومی سازگار است. این در حالی است که در مثال‌های زیر عنصر پیش‌فعل «گریه» و «باز» خوانش نمودی محمول را تعیین می‌کنند.

(۲) الف- هاله ساعت‌ها / * در نیم ساعت گریه کرد. (نهایت‌ناپذیر)

ب- هاله در نیم ساعت / * ساعت‌ها قفل در را باز کرد. (نهایت‌پذیر)

در مثال الف، «گریه کردن» رویدادی نهایت‌ناپذیر است که این مسئله را با پذیرش عبارت تداومی («ساعت‌ها») نشان می‌دهد، اما در مثال ب، در اثر تغییر عنصر پیش‌فعل، خوانش نمودی به نهایت‌پذیر تغییر می‌کند و در نتیجه قید ظرف زمان («در نیم ساعت») را می‌پذیرد. نهایتاً مگردمیان براساس دو آزمون پیش‌گفته، هر دو بخش ساختار فعل مرکب را در خوانش نمودی محمول‌های مرکب فارسی اثربار و تعیین‌کننده می‌داند.

لين^{۲۰} (2008) به بررسی توزیع نحوی و ویژگی‌های معنایی عبارت‌های تداومی در زبان چینی پرداخته است. وی اشاره می‌کند که خوانش عبارت‌های تداومی در چینی بسته به نوع رویداد و موقعیتی که در جمله توصیف می‌شود می‌تواند متفاوت باشد. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که عبارت‌های تداومی در زبان چینی می‌توانند به هر فرافکن بیشینه‌ای ملحق شوند و علی‌رغم خوانش‌های روساختی متفاوتی که به دست می‌دهند، درحقیقت همه آن‌ها بازتاب یک

معنای واحدند و آن طول زمان وقوع یک رویداد است. لین (2008) نشان داده است که برخلاف عبارت‌های تداومی حاوی for در زبان انگلیسی که نمی‌توانند با افعال بیانگر تغییر وضعیت به کار روند (مگر اینکه جمله خواش تکریری داشته باشد)، عبارت‌های تداومی در زبان چینی به سادگی با چنین افعالی همراه می‌شوند بدون آنکه تغییری در معنای جمله ایجاد شود.

لیاو^{۲۱} (2014) تحلیلی از عبارت‌های تداومی مرتبط با رویدادهای فرایاندی در زبان چینی ماندارین و تایوانی ارائه کرده است. وی استدلال می‌کند که این عبارت‌های تداومی که در جایگاه قبل از اسم قرار می‌گیرند درواقع نقش عددی - طبقه‌نما^{۲۲} دارند. تحلیل لیاو این است که این عبارت‌های تداومی را نه می‌توان قید جمله به حساب آورد و نه صفتی برای اسم بعد از خود، بلکه آن‌ها را باید متمم فعل اصلی جمله به حساب آورد و درنتیجه هسته عبارت تداومی اسم بعد از خود را به عنوان متمم می‌پذیرد. بنابراین، طبق دیدگاه گریمسا^{۲۳} (2000)، عبارت تداومی را باید فرافکن گسترش‌های از N اسم دانست که این بدان معناست که آن‌ها را باید برابر با عبارت‌های عددی-طبقه‌نما در نظر بگیریم. لیاو با ارائه این تحلیل توانسته است تعارض بین تحلیل‌های قبلی را رفع کند و تبیینی واحد از عدم انتباط نحو و معنا در عبارت‌های تداومی ارائه دهد.

شیواندا^{۲۴} (2018) به منظور بررسی ویژگی‌های نمودی انواع فعلهای معلوم، مجہول و مجہول خنثی^{۲۵} و تحلیل تناوبهای موضوعی و ویژگی‌های رویدادی افعال مجہول در مقابل مجہول خنثی در زبان اوشیندونگا^{۲۶} از عبارت‌های تداومی به عنوان یک آرمنون استفاده کرده است. از نظر شیواندا، عبارت تداومی نشان می‌دهد که یک رویداد در مدت زمانی مشخص استمرار داشته و به طول انجامیده است و آن را در نقطه مقابل عبارت چارچوب زمانی^{۲۷} می‌داند که نشان می‌دهد رویداد در یک بازه زمانی خاص به وقوع پیوسته است. منظور وی از وجه مجہول خنثی، وجهی است که به ستاک فعلی معنای ناگذر (لازم) می‌دهد که در نقطه مقابل معنای گذرا (متعدی) در وجه معلوم قرار می‌گیرد. وی استدلال می‌کند که محمولهای مجہول و معلوم متعدد با نمود ناقص می‌توانند با عبارت تداومی همراه شوند و خواش تکریری داشته باشند در حالی که اگر نمود جمله به نمود کامل تغییر کند عبارت تداومی از نظر معنایی ناهنجار خواهد بود.

وی همچنین نشان می‌دهد که عبارت تداومی نمی‌تواند با وجه مجہول خنثی همراه شود. چوک (2020) با بررسی نمود واژگانی افعال در دو زبان غیرمرتب چینی و اسلوانی، به



این نکته اشاره می‌کند که براساس پژوهش‌های جدید، طبقه‌بندی وندر (Vendler, 1967, p.202) که مبتنی بر دو مؤلفه فرایند و نهایت‌پذیری برای بیان تفاوت بین محمول‌های نمودی است، درمورد تمامی زبان‌ها کاربرد ندارد. برای مثال مطالعات جدید درباره ویژگی‌های نمودی واژگانی در زبان چینی نشان می‌دهد که با توجه به ویژگی افعال و به‌ویژه افعال حصولی و غایتمند در این زبان نیازمند طبقه‌بندی جدیدی هستیم. نتایج کلی پژوهش چوک حاکی از آن است که نمی‌توان یک طبقه‌بندی نمودی واحد برای افعال تمامی زبان‌ها، حتی برای زبان‌هایی مانند انگلیسی و اسلوانی که در یک رده زبانی هستند، ارائه داد.

با توجه به پژوهش‌های مرورشده می‌توان دریافت که خوانش نمودی محمول‌های حصولی و غایتمند در حضور عبارت تداومی تاکنون در زبان فارسی مورد بررسی قرار نگرفته است. مطالعات پژوهشگران ایرانی در حوزه نمود واژگانی عمدتاً بر تقسیم‌بندی افعال فارسی از لحاظ نمود واژگانی یا بررسی ساختار نمودی نوع خاصی از افعال (مانند فعل «شدن»، افعال مرکب دارای جزء اسمی یا صفتی) معطوف بوده است. تنها پژوهشی که در آن بحث عبارت تداومی و تأثیر آن بر خوانش نمودی افعال فارسی مطرح شده است پژوهش مگردومیان (2001) است که درباره نحوه تعیین خوانش نمودی در افعال مرکب فارسی مباحثی را مطرح کرده است. بنابراین، پژوهش حاضر را می‌توان نخستین تلاش جدی در راستای بررسی تأثیر عبارت تداومی بر خوانش نمودی محمول‌های حصولی و غایتمند زبان فارسی دانست.

۳. چارچوب نظری

بنابراین، پژوهش حاضر را می‌توان نخستین تلاش جدی در راستای بررسی تأثیر عبارت تداومی بر خوانش نمودی محمول‌های حصولی و غایتمند زبان فارسی دانست. بنابراین، پژوهش حاضر را می‌توان نخستین تلاش جدی در راستای بررسی تأثیر عبارت تداومی بر خوانش نمودی محمول‌های حصولی و غایتمند زبان فارسی دانست.

با توجه به تعریف کامری^{۱۸} (1976, p.3)، نمود عبارت است از «شیوه‌های متفاوت نگرش به ساختار زمانی درونی یک موقعیت». کیس^{۱۹} (2008, p.3) نمود و ساخت رویدادی را مقایمه‌ی همپوشان می‌داند که هر دوی آن‌ها به سازمان‌دهی زمانی رویدادها و موقعیت‌ها اشاره دارند. نمود را غالباً بر دو نوع می‌دانند: نمود دستوری و نمود واژگانی. تفاوت میان این دو را می‌توان براساس تفاوتی که اسمیت^{۲۰} (1991) بین نمود موقعیت^{۲۱} و نمود دیدگاه^{۲۲} قائل می‌شود، توضیح داد. براساس کرافت (2012, p.35) نمود واژگانی به نمود درونی^{۲۳} یک موقعیت یا رویداد گفته می‌شود اما نمود دستوری که همان نمود دیدگاه است، به دیدگاه گوینده نسبت به یک رویداد یا نسبت به بخشی از آن رویداد اشاره دارد (گفمام، ۱۳۸۵، ص.۱۷). مکدونالد (2006, p.2) در

بیان تفاوت این دو نوع نمود، به این نکته اشاره می‌کند که نمود دستوری دارای ظهور ساخت‌واژی در سطح جمله است و تحت تأثیر موضوعات درونی جمله نیست، اما نمود واژگانی جزء ویژگی ذاتی و معنایی فعل است و تحت تأثیر موضوعات درونی جمله است.

یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین طبقه‌بندی‌های افعال از لحاظ نمود واژگانی، طبقه‌بندی وندر (1967) است که افعال را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

۱. افعال ایستا (وضعیتی): این نوع فعل‌ها بیانگر یک وضعیت خاص هستند، مانند «دانستن» و «دوست داشتن».

۲. افعال فعالیتی (کنشی): بر موقعیت‌های پویا دلالت دارند و بیانگر فرایندهایی هستند که در طول زمان چهار تغییر می‌شوند، یعنی، استمرار می‌یابند و لزوماً نقطه‌پایانی ندارند. مانند «دویدن».

۳. افعال حصولی: افعالی هستند که در یک لحظه از زمان اتفاق می‌افتد، به صورت آنی هستند و به ماضی شروع شدن، پایان می‌یابند و به‌طور کلی استمرار نمی‌پذیرند. مانند «رسیدن».

۴. افعال غایتمند (تحقیقی): افعالی هستند که یک نقطه نهایی طبیعی دارند و بیانگر فرایندهایی پویا هستند، مانند «ساختن».

پس از وندر (1967)، اسمیت (20.1997) طبقه‌ای دیگر به این دسته‌بندی افزود که فعل‌های منقطع^{۳۴} خوانده می‌شوند، مانند «عطسه کردن» و «چشمک زدن».

۳-۱. محمول‌های حصولی و غایتمند

از نظر تراویس^{۳۵} (2010)، محمول‌های ایستایی و حصولی تداومی نیستند، اما در مقابل، محمول‌های فعالیتی و غایتمند تداومی‌اند. وی به پیروی از ورکویل^{۳۶} (1989, p.44) این تفاوت را به کمک مشخصه [± فرایند]^{۳۷} نشان می‌دهد؛ یعنی محمول‌های ایستایی و حصولی را دارای مشخصه [- فرایند] و محمول‌های فعالیتی و غایتمند را دارای مشخصه [+ فرایند] در نظر می‌گیرد. تراویس (2010, p.107) همچنین نهایت‌پذیر بودن محمول‌های غایتمند و حصولی و نهایت‌ناپذیر بودن محمول‌های ایستایی و فعالیتی را توسط مشخصه [± معین]^{۳۸} نشان می‌دهد؛



بدین ترتیب، محمولهای غایتمند و حصولی [+ معین] و محمولهای ایستایی و فعالیتی [- معین] هستند. تراویس (2010, p.107) معتقد است که وجود مشخصه [- فرایند] به این معناست که رویداد بیان شده توسط محمول در یک لحظه یا در هر لحظه از زمان اتفاق میافتد؛ اما مشخصه [+ فرایند] به این معناست که رویداد در یک بازه زمانی بین ۱۱ و ۱۲ اتفاق میافتد. بنابراین، [- فرایند] بیانگر لحظه زمانی و [+ فرایند] بیانگر دوره زمانی (یا طول زمان) است.

برای ارزیابی این موضوع که هر محمول به کدام یک از طبقه‌های چهارگانه نمودی (ایستایی، فعالیتی، حصولی، غایتمند) تعلق دارد، آزمون‌هایی پیشنهاد شده است. براساس تراویس (2010, p.108) یکی از آزمون‌های مهم که میتواند تمایز بین محمولهای [+ معین] و [- معین] را نشان دهد، استفاده از قیدهای زمانی «در مدت زمان X^1 » و «برای مدت زمان X^2 » است. اگر این آزمون را بر انواع افعال زبان فارسی اعمال کنیم به مثال‌هایی از قبیل موارد زیر می‌رسیم:

۳) الف- مریم سه دقیقه‌ای/در عرض سه دقیقه به نامه نوشت. (غایتمند)

ب- مریم سه دقیقه/ به مدت سه دقیقه دوید. (فعالیتی)

ج- مریم سه دقیقه‌ای/در حال نوشتن بود. (حصولی)

د- مریم سه دقیقه/ به مدت سه دقیقه بی‌حال بود. (ایستایی)

یکی از آزمون‌هایی که برای تمایزگذاری بین محمولهای [- فرایند] و [+ فرایند] به کار می‌رود، آزمون زمان استمراری است:

۴) الف- مریم در حال نوشتن بود. (غایتمند)

ب- مریم در حال دویدن بود. (کنشی)

ج- مریم در حال پیدا کردن کلید بود. (حصولی)

د- *مریم در حال بی‌حال بودن بود. (ایستایی)

این آزمون در زبان انگلیسی کارآمد است، اما در زبان فارسی خیر؛ زیرا همان‌طور که مشاهده می‌کنیم، محمولهای حصولی، مانند مثال ۴-ج بالا، نیز می‌توانند در ساخت گذشته استمراری به کار روند.

۲-۳. عبارت تداومی

برای تمایز بین رویدادهای نهایت‌پذیر و نهایت‌ناپذیر نیز از آزمون‌هایی استفاده می‌شود که یکی

از مهم‌ترین آن‌ها آزمون «عبارت تداومی» و «قید ظرف زمان» است. منظور از عبارت تداومی عبارتی است که بیانگر استمرار زمان باشد که در زبان انگلیسی به صورت [قید زمان + خواهد بود، مانند for an hour] ممنظور از قید ظرف زمان عبارتی است که یک بازه زمانی خاص را مشخص می‌کند و در زبان انگلیسی به صورت [قید زمان + in] بیان می‌شود. به مثال‌های زیر از زبان انگلیسی توجه کنید (MacDonald, 2008, p. 33).

- 5) a. The kid ate **an apple**. In ten minutes /#for ten minutes.
 b. The kid drank **soda**. #In ten minutes / for ten minutes.

مشاهده می‌کنیم که عبارت تداومی for ten minutes با جمله (5a) که دارای موضوع درونی دارای کمیت مشخص (یک سبب) است هماهنگ ندارد، در حالی که قید ظرف زمان In ten minutes با این جمله سازگاری دارد. از طرف دیگر، در حالی که عبارت تداومی for ten minutes با جمله (5b) که دارای موضوع درونی فاقد کمیت مشخص (انباشتی)^۱ است سازگاری دارد، قید ظرف زمان In ten minutes با این جمله سازگاری ندارد. این حقایق این ترتیج استاندارد را که عبارت تداومی فقط با محمول‌های نهایت‌ناپذیر هماهنگ دارد و با محمول‌های نهایت‌پذیر هماهنگ ندارد، تأیید می‌کند. اما به اعتقاد آلسینا (1999, p.83) عبارت تداومی به لحاظ نحوی با انواع محمول‌ها سازگاری دارد و فقط بر حسب اینکه محمول نمودی نهایت‌پذیر یا نهایت‌ناپذیر باشد دارای خوانش‌های معنایی نمودی مجزایی است. وقتی عبارت تداومی با محمول‌های نهایت‌ناپذیر همراه شود، رویداد بدون وقه در طول مدت زمان تعیین‌شده توسط عبارت نهایت‌پذیر همراه شود، رویداد به‌گونه‌ای مداوم در طول مدت زمان تعیین‌شده توسط عبارت تداومی تکرار می‌شود. مکدونالد (2006, p.26) دو مثال زیر را دلیلی بر اثبات ادعای آلسینا (1999, p.83) می‌داند.

- 6) a. The child pushed a ball into the closet for ten minutes.
 b. The captain spotted a plane for an hour.

در مثال‌های بالا، محمول‌ها به ترتیب محمول غایتند حرف اضافه‌ای^۲ (محمول‌های فعلیتی در کنار موضوع دارای کمیت و حرف اضافه‌ای که هدف کنش را نشان دهد به محمول غایتند حرفاً اضافه‌ای تبدیل می‌شوند) و محمول حصولی، شناختی^۳ هستند که محمول‌هایی نهایت‌پذیر



محسوب می‌شوند و همراه عبارت تداومی، جملات دستوری با خوانش معنایی تکریری از نوع توالی رویدادهای یکسان^{۴۴} به دست داده‌اند. طبق نظر مک دونالد (2006, p.26)، جمله (6a) بدین صورت خوانش می‌شود که بچه‌ای یک توپ را در مدت زمان تعیین شده توسط عبارت تداومی (یعنی ده دقیقه) بارها و بارها به درون کمد هل می‌دهد. همچنین در (6b) کاپیتان می‌تواند در حال نگاه کردن به آسمان باشد وقتی که یک هوایپما در طول مدت یک ساعت مرتبًا وارد دایره دید او می‌شود و از آن خارج می‌شود. در این نوع خوانش معنایی که خوانشی نهایت‌پذیر است، در زیر رویدادهای تکراری تنها یک مفعول واحد (هوایپما) حضور دارد. به عبارت دیگر، زیر رویدادها مکرراً روی یک مفعول واحد انجام می‌شوند.

مکدونالد (2008, p.35) با ارائه مثال‌های زیر به ذکر این نکته نیز پرداخته است که در مواردی عبارت تداومی با محمولهای نهایت‌پذیر سازگاری ندارد. از دیدگاه وی این عدم سازگاری به نهایت‌پذیری محمولهای ارتباطی ندارد، بلکه به ماهیت عمل فعلی بستگی دارد که بر روی مفعول انجام می‌شود و نمی‌تواند دارای خوانش تکریری باشد.

- 7) a. The kid ate an apple #for ten minutes.
- b. The farmer drank a jog of beer #for ten minutes.

از نظر مکدونالد (2008, p.33) عبارت تداومی با محمولهای نهایت‌پذیر (حصولی و غایتمند) فقط دارای خوانش رویدادی چندگانه^{۴۵} برحسب نوع موضوع درونی است. بدین صورت که اگر موضوع درونی از نوع اسم مفرد دارای کمیت باشد، دارای خوانش توالی رویدادهای یکسان^{۴۶} است و اگر موضوع درونی اسم جمع عربیان^{۴۷} باشد، دارای خوانش توالی رویدادهای مشابه^{۴۸} است. اما با محمولهای نهایت‌ناپذیر (ایستایی و فعالیتی) دارای خوانش تکرویدادی^{۴۹} است که در مثال‌های زیر از مکدونالد (2008, p.33) نشان داده شده است.

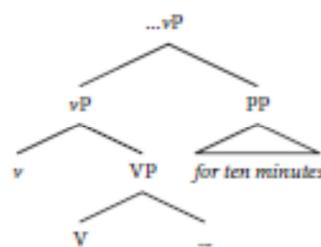
- 8) a. The mechanic towed the car for an hour.
- b. John screamed for an hour.
- c. The lawyer owned a Lexus for an hour.

در مثال‌های بالا محمول‌ها به ترتیب از نوع فعالیتی متعدد^{۵۰}، فعالیتی لازم^{۵۱} و ایستا هستند و همگی با عبارت تداومی دارای خوانش تکرویدادی هستند. خوانش رویداد منفرد یا تکرویدادی به این معناست که به لحاظ زبان‌شناسی هیچ نقطه پایانی رمزگذاری نشده است و رویداد بدون وقفه در طول مدت زمان تعیین شده بدون پایان ادامه می‌یابد.

در نقطه مقابل خوانش تکرویدادی، که نهایت‌ناپذیر است، خوانش رویدادهای چندگانه قرار

دارد که نهایت‌پذیر است. از نظر مکدونالد (2008, p.45)، خوانش رویدادهای چندگانه می‌تواند به دو صورت باشد: توالی رویدادهای یکسان و توالی رویدادهای مشابه. مکدونالد (2008, p.46) خوانش توالی رویدادهای مشابه را خوانشی معنایی می‌داند که نهایت‌پذیر و تکریری است؛ به این صورت که تعدادی زیررویداد مکرر داریم که هر یک از آن‌ها روی یک مفعول متفاوت عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، هر بار یک مفعول مجزا عمل بیان شده به وسیله فعل را در زیررویدادهای تکریری تجربه می‌کند و توالی‌ای از زیررویدادهای مشابه وجود دارد. وی (2008, p.41) خوانش توالی رویدادهای یکسان را خوانشی نهایت‌پذیر و تکریری می‌داند که در زیررویدادهای تکراری تنها یک مفعول واحد حضور دارد. به عبارت دیگر، زیررویدادها مکرراً روی یک مفعول واحد انجام می‌شوند.

از دیدگاه مکدونالد (2008) و آلسینا (1999) عبارت تداومی به لحاظ نحوی با انواع محمول‌های نمودی سازگاری و مطابقت دارد و فقط برحسب اینکه محمول نهایت‌پذیر یا نهایت‌ناپذیر باشد دارای خوانش معنایی متفاوت خواهد بود. بدین صورت که عبارت تداومی در حضور موضوع درونی (مفهول) دارای کمیت خوانش نهایت‌پذیر تکریری دارد و در حضور موضوع درونی فاقد کمیت دارای خوانش تکررویدادی است. مکدونالد (2008, p.36) بر این باور است که عبارت تداومی به گروه فعلی کوچک می‌پیوندد و کل رویداد بیان شده توسط محمول را توصیف می‌کند، مانند گروه حرف اضافه *for ten minutes* در شکل ۱ زیر.



شکل ۱. جایگاه عبارت تداومی نمودار درختی

Figure1
The Position of Durative Phrase in Tree Diagram

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش از مقاله به تحلیل خوانش نمودی محمول‌های حصولی و غایتمند در حضور عبارت تداومی در زبان فارسی می‌پردازیم و با ذکر مثال‌هایی نشان می‌دهیم که افزودن عبارت تداومی به جملهٔ حاوی محمول حصولی یا غایتمند چگونه می‌تواند خوانش نمودی جمله را مستخوش تغییر سازد.

۱-۴. محمول‌های حصولی

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، براساس تراویس (2010, p. 10) محمول‌های حصولی دارای مشخصه [− فرایند] و [+ معین] هستند. برخورداری از مشخصه [− فرایند] به این معناست که این محمول‌ها ذاتاً غیرفرایندی و درنتیجه، غیرتداومی‌اند. اما افزودن عبارت تداومی باعث تبدیل محمول حصولی به محمولی فرایندی و تداومی می‌گردد و درنتیجهٔ خوانش نمودی آن را مستخوش تغییر می‌سازد. از آنجایی که کرافت (2012, p.43) افعال حصولی را در سه گروه تکرارشدنی^۱، تکرارنشدنی^۲ و چرخه‌ای^۳ طبقه‌بندی کرده است، در این بخش خوانش نمودی این سه نوع محمول حصولی را در کنار عبارت تداومی بررسی خواهیم کرد. برای مثال، دو جملهٔ زیر را در نظر بگیرید:

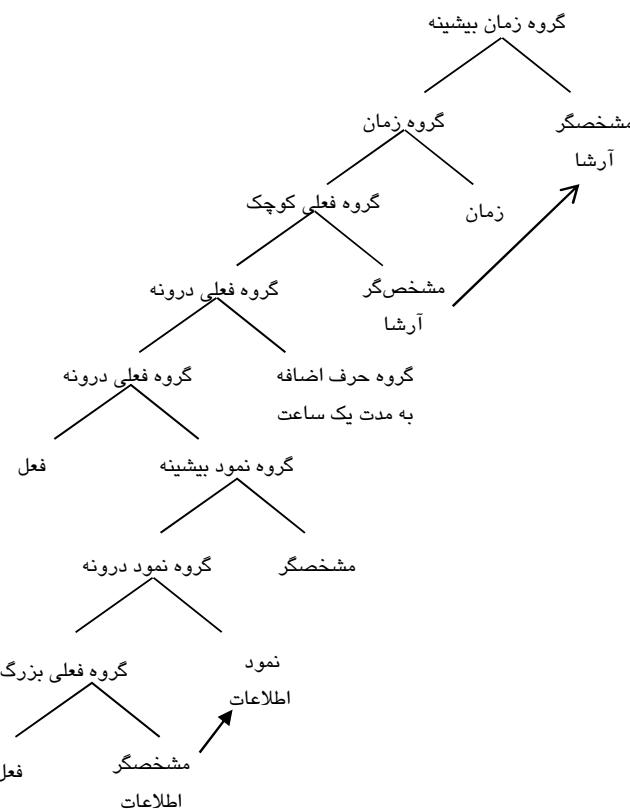
الف- آرشا از آرمن اطلاعات گرفت.

ب- آرشا به مدت یک ساعت اطلاعات گرفت.

«گرفتن» محمولی حصولی تکرارشدنی و نهایت‌پذیر است که در جملهٔ اول به علت اینکه در کنار موضوع درونی اسم شمارش‌نایپذیر^۴ قرار گرفته است دارای خوانشی نهایت‌نایپذیر است. علت این مسئله تأثیر ماهیت موضوع درونی بر اثر انطباق مفعول با رویداد^۵ است. در این فرایند نحوی که براساس مکدونالد (2008, p.4) یکی از ویژگی‌های مهم نمود واژگانی به شمار می‌رود، گروه اسمی واقع در جایگاه موضوع درونی بر حسب دارا بودن یا نبودن ویژگی کمیت، بر خوانش نمودی محمول اثر می‌گذارد. در جملهٔ ب «گرفتن» با عبارت تداومی «به مدت یک ساعت» همراه شده است، موضوع درونی فعل در این مثال نیز از نوع اسم شمارش‌نایپذیر (اطلاعات) است و محمول در حضور این موضوع درونی دارای خوانش نهایت‌نایپذیر است. از

آنچه که رویدادهای نهایت‌ناپذیر دارای نقطهٔ پایان مشخص نیستند و به‌طور بالقوه می‌توانند برای مدت زمانی نامشخص ادامه داشته باشند، افزودن عبارت تداومی به این رویدادها به خوانش رویدادهای چندگانه منجر نمی‌شود. خوانش رویداد چندگانه که آن را تکریری نیز می‌نامند، به این معناست که یک رویداد مشابه در یک بازهٔ زمانی مشخص چندین بار تکرار می‌شود (MacDonald, 2006, p.39; 2008, pp.45-47). اما اگر محمول نهایت‌ناپذیر باشد و با عبارت تداومی همراه گردد، آن‌گاه رویداد بیان شده توسط آن محمول در طول زمان مشخص‌شده توسط آن عبارت تداومی ادامه خواهد داشت اما به نقطهٔ پایان نمی‌رسد و همچنان ادامه‌دار خواهد بود. در نتیجه، تکرار صورت خواهد پذیرفت، یعنی خوانش تکریری به دست نمی‌آید و خوانش تکرویدادی داریم. بر این اساس، در مثال (ب) بالا، فرایند گرفتن اطلاعات به مدت یک ساعت ادامه پیدا می‌کند بدون آنکه تکرار صورت پذیرد.

اگر ما به پیروی از مکدونالد (2008, p.37) و آلسینا (1999, p.99)، جایگاه گروه نمود (AspP) را بین گروه فعلی کوچک (vP) و گروه فعلی بزرگ (VP) در نظر بگیریم و جایگاه عبارت تداومی را در گروه فعلی کوچک بدانیم، ساختار مثال ۹-ب به صورت زیر خواهد بود. در نمودار درختی زیر اسم شمارش‌ناپذیر به منظور تشکیل دامنهٔ خوانش نمودی از جایگاه مشخص‌گر گروه فعلی بزرگ به هستهٔ گروه نمودی حرکت کرده و فاعل که در جایگاه مشخص‌گر گروه فعلی کوچک است، به جایگاه مشخص‌گر گروه زمان بیشینه حرکت کرده است. این حرکت‌ها از جایگاهی به جایگاه دیگر با علامت پیکان در نمودار نشان داده شده‌اند.



شکل ۲. خوانش نمودی در مثال ۹-ب

Figure 2
Aspectual Interpretation in 9b Example

فعال‌ایی مانند «بستان»، «گرفتن» و «خوشحال شدن» از نوع حصولی تکرارشدنی هستند،
اما «پژمرده شدن» و «منفجر شدن» به ترتیب، حصولی تکرارشدنی اضمحلالی و حصولی
تکرارشدنی تخریبی به حساب می‌آیند. براساس تعریف دانش پژوه (۱۳۹۲، ص. ۶۹)، تقابت

حصولی تکرارنشدنی اضمحلالی و حصولی تکرارنشدنی تخریبی در این است که در حصولی تکرارنشدنی اضمحلالی موضوعات درونی یا عناصری که در جریان رویداد در معرض تغییر قرار می‌گیرند از ویژگی جانداری برخوردارند، اما در حصولی تکرارنشدنی تخریبی موضوعات درونی یا عناصری که در جریان رویداد در معرض تغییر قرار می‌گیرند از ویژگی جانداری برخوردار نیستند.

در زیر مثال‌هایی از این نوع محمول‌های حصولی از نظر خوانش نمودی بررسی می‌شوند.

(۱۰) الف- نگهبان در باغ را بست.

ب- نگهبان در باغ را (به مدت) دو ساعت بست.

(۱۱) الف- مریم خوشحال شد.

ب- مریم برای دو ساعت خوشحال شد.

در مثال ۱۰-الف و ۱۱-الف عمل «بستن» و «خوشحال شدن» به صورت لحظه‌ای و آنی و بدون هیچ فرایندی رخ داده است و نهایت‌پذیرند. در مثال‌های ۱۰-ب و ۱۱-ب، عبارت تداومی نشان‌دهنده طول زمان رویداد است؛ یعنی بسته بودن در و خوشحال بودن مریم دو ساعت ادامه داشته است و بعد از طی این مدت پایان یافته است، که خوانشی نهایت‌پذیر است. دوتی^۶ (۱۹۷۹) این نوع از خوانش را خوانش «پایان زمان»^۷ می‌نامد که اشاره به مدت زمان قبل از پایان رویداد دارد.

(۱۲) الف- گل‌ها پژمرده شده‌اند.

ب- گل‌ها دو روز است که پژمرده شده‌اند.

در مثال ۱۲-الف، خوانش نهایت‌پذیر داریم که در آن رویداد «پژمرده شدن» با گذشت زمان رخ داده است. در مثال ۱۲-ب، عبارت تداومی نقطه آغاز رویداد را نشان می‌دهد، اما نقطه پایان آن نامعلوم است و با خوانش نهایت‌ناظیر تک رویدادی مواجه هستیم.

(۱۳) الف- بمب منفجر شد.

ب- * بمب به مدت دو دقیقه منفجر شد.

(۱۴) الف- بچه خفه شد.

ب- * بچه برای دو دقیقه خفه شد.



در مثال‌های ۱۳-الف و ۱۴-الف رویداد «منفجر شدن» به صورت لحظه‌ای و آنی و بدون هیچ فرایندی رخ داده است و فقدان عبارت تداومی در این جملات با خواش لحظه‌ای از آن‌ها سازگار است. در مثال‌های ۱۳-ب و ۱۴-ب از آنجایی که رویدادهای «منفجر شدن» و «خفه شدن» ماهیتاً نمی‌توانند تداومی باشند (بلکه آنی هستند) و همچنین از آنجایی که «منفجر شدن» یک بعب و «خفه شدن» یک بچه نمی‌توانند به صورت مکرر رخ دهند، لذا جملات به لحاظ دستوری و معنایی پذیرفتی نیستند. نکته مهم اینجاست که غیردستوری بودن این جملات ارتباطی به نهایت‌پذیر بودن محمول حصولی ندارد بلکه ناشی از ماهیت فعل موجود در آن‌هاست.

در زبان فارسی محمول‌های حصولی چرخه‌ای مانند «سرفه کردن» و «جیغ زدن» هم با عبارت تداومی سازگاری دارند. مثال‌های زیر را در نظر بگیرید.

(۱۵) الف- آرشا سرفه کرد.

ب- آرشا ده دقیقه سرفه کرد.

(۱۶) الف- آرشا جیغ زد.

ب- آرشا ده دقیقه جیغ زد.

در مثال‌های ۱۵-الف و ۱۶-الف رویداد به صورت آنی و بدون فرایند رخ داده است و دارای خواشی نهایت‌پذیر است. در مثال‌های ۱۵-ب و ۱۶-ب عبارت تداومی نشان‌دهنده طول زمان رویداد است؛ یعنی سرفه کردن و جیغ زدن آرشا به مدت ده دقیقه ادامه داشته است و سپس پایان یافته است. این محمول‌ها نیز مانند محمول‌های حصولی تکرارشدنی دارای خواش نهایت‌پذیر «پایان زمان» هستند.

براساس مثال‌های بررسی شده از محمول‌های حصولی می‌توان به این نتیجه دست یافت که در مورد محمول‌های حصولی مانند «گرفتن»، «بستن» و «پژمرده شدن» که حاصل آن‌ها یک وضعیت ایستا است (یعنی بسته بودن و پژمرده بودن)، افزودن عبارت تداومی بسته به نوع محمول حصولی و یا تحت تأثیر ماهیت موضوع درونی می‌تواند به خواش‌های متفاوتی منجر شود. افزودن عبارت تداومی به محمول حصولی تکرارشدنی (مانند خوشحال شدن، عصبانی شدن) و محمول حصولی چرخه‌ای (مانند سرفه کردن) خواش «پایان زمان» و به محمول حصولی تکرارشدنی اضمحلالی (مانند پژمرده شدن)، خواش «نهایت‌ناپذیر تکرویدادی» به

دست می‌دهد. محمولهای حصولی تکرارنشدنی تخریبی (مانند تخریب شدن، منفجر شدن) و برخی از محمولهای حصولی تکرارنشدنی اضمحلالی (مانند خفه شدن) به لحاظ ماهیت عمل، نمی‌توانند با عبارت تداومی سازگار باشند.

۲-۴. محمولهای غایتمند

پیش‌تر گفته شد که محمولهای غایتمند از لحاظ مشخصه نمودی [+ فرایند] و [+ معین] هستند. اکنون به بررسی تأثیر عبارت تداومی بر خواش نمودی این نوع محمولها در زبان فارسی می‌پردازیم. در مثال‌های الف و ب زیر به ترتیب محمول غایتمند «خوردن» را همراه با قید ظرف زمان و عبارت تداومی مشاهده می‌کنیم.

(۱۷) الف- مریم یک ساندویچ را در عرض پنج دقیقه (یا پنج دقیقه‌ای) خورد. (قید ظرف زمان)

ب-* مریم یک ساندویچ را به مدت یک ساعت خورد. (عبارت تداومی)

از آنجا که در این مثال‌ها مفعول از نوع اسم کمیت‌دار است (یک ساندویچ)، محمول دارای خواش نهایت‌پذیر است و در نتیجه، افزودن عبارت تداومی به جمله باعث خواش تکریری می‌شود (مثال ب): خواش تکریری مستلزم تکرار زیررویدادها است، یعنی یک مفعول واحد باید چند بار پیاپی عمل بیان‌شده توسط فعل را پذیرد. در جمله موردنظر، یعنی همان یک ساندویچ باید به مدت یک ساعت چند بار خورده شود. از آنجا که این رویداد عملاً غیرممکن است و نمی‌توان یک ساندویچ واحد را بیش از یک بار خورد، جمله غیردستوری یا حداقل ناپذیرفتی به نظر می‌رسد که این موضوع با قرار دادن علامت ستاره (*) در ابتدای جمله مشخص شده است. غیردستوری بودن این جمله به این دلیل نیست که عبارت تداومی نمی‌تواند با محمولهای نهایت‌پذیر همراه شود، بلکه به دلیل ماهیت عمل «خوردن» است که نمی‌تواند روی یک مفعول واحد بیش از یک بار انجام شود؛ در حالی که عمل مانند «شستن» در مثال‌های زیر، می‌تواند روی یک مفعول واحد (یعنی بشقاب) بارها تکرار شود.

(۱۸) الف- مریم یک ساعت یک بشقاب را شست. (نهایت‌پذیر)

ب- مریم یک ساعت بشقاب را شست. (نهایت‌پذیر)

ج- مریم یک ساعت بشقاب شست. (نهایت‌ناپذیر)



د- مریم یک ساعت بشقاب‌ها را شست. (نهایت‌پذیر)

در مثال ۱۸-الف، مریم عمل شستن یک بشقاب واحد را در طول یک ساعت بارها تکرار کرده است. در این مثال، مفعول از نوع اسم کمیت‌دار مفرد است (یک بشقاب) و طبق گفتهٔ مکدونالد (2008, p.41)، افزودن عبارت تداومی باعث خوانش تکریری می‌شود. در مثال ۱۸-ب، با اینکه مفعول فاقد کمیت مشخص است (بشقاب) اما از آنجا از نظر گوینده معروفه و مشخص است، به یک بشقاب خاص دلالت دارد و در نتیجه افزودن عبارت تداومی همانند مثال الف به پیدایش خوانش تکریری منجر می‌شود. مکدونالد (2008, p.41) خوانش جملات الف و ب را توالی رویدادهای یکسان می‌نامد که در آن زیررویدادها (در اینجا عمل شستشو) به کرات روی یک مفعول واحد انجام می‌شوند. در جمله ۱۸-ج مفعول فاقد کمیت مشخص است (بشقاب) و به علت تأثیر ماهیت موضوع درونی بر روی محمول نمودی، محمول «شستن» در این مثال نهایت‌ناپذیر خواهد بود که با افزودن عبارت تداومی «یک ساعت» خوانش تکررویدادی حاصل می‌شود که به لحاظ زبانی هیچ نقطهٔ پایانی برای آن رمزگذاری نشده است و بدون وقه در طول مدت زمان تعیین شده بدون پایان و بدون تکرار ادامه می‌یابد. در مثال ۱۸-د مفعول از نوع جمع عربیان است (بشقاب‌ها) و خوانشی که حاصل می‌شود خوانش توالی رویدادهای مشابه است، زیرا عمل شستن نه روی یک بشقاب، بلکه روی بشقاب‌های متفاوت انجام می‌شود. مثال‌های ۱۸-الف تا ۱۸-د نشان می‌دهند که خوانش محمول غایتمند در حضور عبارت تداومی بستگی به نوع مفعول آن دارد. به طوری که اگر مفعول اسم کمیت‌دار یا معرفه باشد خوانش توالی رویدادهای یکسان حاصل می‌شود، اما اگر مفعول جمع عربیان باشد خوانش توالی رویدادهای مشابه داریم که هر دو خوانش‌های نهایت‌پذیرند. اما گفتنی است که علاوه بر نوع مفعول (از نظر کمیت‌دار، معرفه، جمع بودن)، ماهیت خود رویداد نیز بر خوانش نمودی محمول تأثیر می‌گذارد.

پس تا اینجا دریافتیم که خوانش نمودی محمول‌های غایتمند در حضور عبارت تداومی نه تنها به نوع مفعول بستگی دارد بلکه به ماهیت خود رویداد نیز بستگی دارد که آیا تکرار‌پذیر است یا تکرار‌ناپذیر. در مثال‌های بالا، تأثیر نوع مفعول بر خوانش نمودی آن را به کمک فعل «شستن» و تأثیر ماهیت فعل محمول بر خوانش نمودی آن را به کمک فعل «خوردن» نشان داریم. حال با مثال‌های زیر خوانش نمودی محمول‌های غایتمند با مفعول فاقد کمیت درکنار

عبارت تداومی را بررسی می‌کنیم.

(۱۹) آرشا یک ماه خانه ساخت.

(۲۰) مریم یک ساعت غذا پخت.

در جملات ۱۹ و ۲۰ مفعول‌ها فاقد کمیت مشخص هستند (خانه و غذا) و به علت تأثیر ماهیت موضوعات درونی بر روی محمولهای نمودی، محمولهای «ساختن» و «پختن» در این مثال‌ها نهایت‌ناپذیر خواهد بود که با افزودن عبارتهای تداومی «یک ماه» و «یک ساعت» خوانش تکرویداری حاصل می‌شود که به لحاظ زبانی هیچ نقطه‌پایانی برای آن رمزگذاری نشده است و بدون وقهه در طول مدت زمان تعیین شده بدون پایان و بدون تکرار ادامه دارد. این مثال‌ها همسو با دیدگاه مکدونالد است که وقتی محمول نهایت‌ناپذیر در جمله داشته باشیم، عبارت تداومی با خوانش تکرویداری سازگار است.

حال، محمول غایتمند «خوردن» را با مفعول کمیت در کنار عبارت تداومی بررسی می‌کنیم:

(۲۱) آرشا یک ساعت شکلات خورد.

در این مدت یک ساعت چه اتفاقی می‌افتد؟ اتفاقی که می‌افتد این است که آرشا یک شکلات را می‌خورد، سپس شکلات بعدی، سپس شکلات بعدی و به همین ترتیب این رویداد شکلات خوردن ادامه پیدا می‌کند تا مدت زمان یک ساعت به پایان برسد. خوردن هر دانه شکلات یک زیررویداد برای کل رویداد خوردن شکلات به حساب می‌آید. بنابراین، حضور عبارت تداومی باعث می‌شود که زیررویدادها به دفعات تکرار شوند تا مدت زمان موردنظر به پایان برسد. پس در اینجا برخلاف مثال‌های قبلی با خوانش تکریری مواجه هستیم. این واقعیت برخلاف نظر مکدونالد (2008) است. وی از یک طرف اشاره می‌کند که نوع موضوع درونی از لحاظ کمیت‌دار بودن یا نبودن بر خوانش نمودی فعل تأثیر می‌گذارد و آن را تغییر می‌دهد به گونه‌ای که فعلی مانند «خوردن» که به خودی خود نهایت‌ناپذیر است وقتی با مفعول فاقد کمیت (مانند شکلات در مثال بالا) همراه شود خوانش آن به نهایت‌ناپذیر تغییر می‌کند (p.80). از طرف دیگر، مکدونالد بر این باور است که وقتی محمول نهایت‌ناپذیر در جمله داشته باشیم، عبارت تداومی با خوانش تکرویداری سازگار است (2008, p.32, 36). این در حالی است که ما در توضیح مثال ۲۱ نشان دادیم که فعل «خوردن» همراه با مفعول فاقد کمیت می‌تواند در حضور



عبارت تداومی خوانش رویدادهای چندگانه (تکریری) داشته باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد که تعیین مکدونالد در مورد تأثیر موضوع درونی افعال بر خوانش نمودی آن‌ها دارای استثنائات یا موارد نقضی نیز هست.

مکدونالد (2008, p. 36) اشاره می‌کند که عبارت تداومی در کنار محمول‌های نهایت‌پذیرِ حصولی و غایتمند با خوانش تکرویدادی ناسازگار است. منظور وی این است که حضور عبارت تداومی باعث می‌شود که یک رویداد تکرار شود، خواه روی یک مفعول واحد باشد و خواه روی مفعول‌های متفاوت. این نتیجه‌گیری در مورد محمول‌های غایتمند زبان فارسی نیز صدق می‌کند و ما آن را به مک مثال‌های ۱۷ و ۲۱ نشان دادیم. بنابراین، می‌توان گفت که عبارت تداومی کل رویداد بیان شده توسط محمول را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بسته به نهایت‌پذیر یا نهایت‌ناپذیر بودن محمول، خوانش‌های متفاوتی را در پی دارد. به همین دلیل است که می‌توان گفت عبارت تداومی با همه‌انواع محمول‌ها سازگاری دارند (MacDonald, 2008, p. 35).

چنان که ورکویل (2000, p.170) اشاره می‌کند، عبارت تداومی مانند *for an hour* اگر به جمله *Judith ate a sandwich* افزوده شود، خوانش تکرویدادی این جمله را غیرممکن می‌سازد و خوانش تکریری به آن می‌بخشد. مکدونالد (2008, p.33) از این مطلب نتیجه می‌گیرد که عبارت تداومی با خوانش تکرویدادی محمول‌های نهایت‌پذیر ناسازگار و با خوانش تکرویدادی محمول‌های نهایت‌ناپذیر سازگار است. اما نکته کلیدی اینجاست که نهایت‌پذیر یا نهایت‌ناپذیر بودن یک محمول صرفاً توسط خود محمول تعیین نمی‌شود، بلکه به عوامل دیگری نیز بستگی دارد که ماهیت مفعول یکی از مهم‌ترین آن‌هاست.

محمول‌های غایتمند حرف اضافه‌ای نوع خاصی از محمول‌های غایتمند هستند که در حضور گروه تداومی بر حسب نوع موضوع درونی، خوانش معنایی نهایت‌پذیر دارند. مثال‌های زیر را در نظر بگیرید.

(الف) - کارگرها دو ساعت وسایل را داخل خانه آوردند. (اسم جمع)

ب - کارگرها نیم ساعت یک یخچال را داخل خانه آوردند. (اسم کمیت‌دار)

در مثال ۲۲-الف، عمل «آوردن» در مدت زمان دو ساعت تکرار می‌شود و به علت اینکه «وسایل» اسم جمع است، این عمل نه روی یک مفعول واحد (مثلاً یک صندلی) بلکه روی

مفعول‌های مختلف و متعدد انجام می‌شود. بنابراین، در مثال الف رویدادی که توسط فعل بیان می‌شود دارای زیررویدادهای متعدد است و این زیررویدادها روی مفعول‌های متفاوت تکرار می‌شوند. خوانشی که در این مثال وجود دارد، خواش توالی رویدادهای مشابه است. اما در مثال ۲۲-ب، عمل «آوردن» در مدت نیمساعت روی فقط یک مفعول واحد (یخچال) انجام می‌شود. در اینجا زیررویداد نداریم و کل فرایند در قالب یک رویداد انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر، این گونه نیست که یک یخچال چند بار به داخل خانه آورده شود بلکه فقط یک بار آورده می‌شود. بنابراین، در اینجا نمی‌توان خواش توالی رویدادهای یکسان داشت. خوانشی که از این مثال دوم، یعنی ۲۲-ب، برداشت می‌شود برخلاف دیدگاه مکدونالد (2008) است که این گونه جملات را در انگلیسی دارای خواش تکریزی می‌داند، مانند:

23) The farmer dragged a log into the barn for an hour.

به عقیده مکدونالد (2008, p.41)، این جمله بیانگر آن است که کشاورز یک کنده درخت را در مدت زمان یک ساعت چندین بار داخل انبار/طوبیه می‌برد. وی براساس این تفسیر، جمله پادشده را دارای خواش توالی رویدادهای یکسان می‌داند. معادل همین جمله در زبان فارسی دارای خوانش نهایت‌پذیر و بدون تکرار است:

24) کشاورز یک ساعت یک کنده را داخل انبار کشید.

معنای این جمله این است که کشاورز یک کنده را در مدت زمان یک ساعت با انجام عمل کشیدن به داخل انبار می‌آورد، خواه این عمل کشیدن پیوسته باشد و خواه منقطع.

۵. نتیجه

در این پژوهش براساس رویکرد مکدونالد (2008) به بررسی خواش نمودی محمولهای حصولی و غایتمند زبان فارسی در حضور عبارت تداومی پرداخته شد. با بررسی خوانش نمودی انواع محمولهای حصولی مشخص شد که افزودن عبارت تداومی، بسته به نوع محمول و یا تحت تأثیر ماهیت موضوع درونی، می‌تواند به خوانش‌های متفاوتی منجر شود. افزودن عبارت تداومی به محمولهای حصولی تکرارشدنی و چرخه‌ای به خوانش «پایان زمان» منجر می‌شود، در حالی که محمولهای حصولی تکرارنشدنی اضمحلالی در کنار عبارت تداومی



خوانش نهایت‌نایزیر تکرویدادی به دست می‌دهند. همچنین مشخص شد که محمول‌های حصولی تکرارشدنی تخریبی و برخی از محمول‌های حصولی تکرارشدنی اضمحلالی (مانند خفه شدن) به‌دلیل اینکه ماهیت رویداد بیان شده در آن‌ها آنی و لحظه‌ای است، نمی‌تواند با عبارت تداومی همراه شوند. بررسی تأثیر حضور عبارت تداومی بر خوانش نمودی محمول‌های غایتمند نیز نشان داد که خوانش نمودی این محمول‌ها هم مانند محمول‌های حصولی در حضور عبارت تداومی نه تنها به نوع مفعول (از لحاظ کمیت‌دار بودن یا نبودن) بستگی دارد، بلکه به ماهیت خود رویداد نیز بستگی دارد که آیا تکرار‌نایزیر است یا تکرار‌نایزیر. اگر مفعول اسم کمیت‌دار یا معرفه باشد خوانش توالی رویدادهای یکسان به‌دست می‌آید، اما اگر مفعول جمع عربیان باشد خوانش توالی رویدادهای مشابه حاصل می‌شود که هر دوی آن‌ها خوانش‌هایی نهایت‌پذیرند. علاوه بر این، مشخص شد که محمول‌های غایتمند حرف‌اضافه‌ای در حضور عبارت تداومی در کنار اسم جمع دارای خوانش تکریری توالی رویدادهای مشابه و در کنار اسم کمیت‌دار مفرد دارای خوانشی نهایت‌پذیر و بدون تکرار هستند. نتیجه‌گیری به‌دست آمده درمورد تأثیر موضوع درونی بر خوانش نمودی محمول‌های غایتمند در مواردی (مانند مثال‌های ۲۱ و ۲۲) برخلاف نظر مکدونالد (2008) است و به نظر می‌رسد که تعمیم مکدونالد درمورد خوانش نمودی این محمول‌ها دارای استثنایات یا موارد نقضی نیز هست.

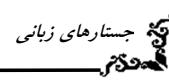
با توجه به نتایج به‌دست آمده می‌توان گفت که فرضیه پژوهش مبتنی بر اینکه که عبارت تداومی با هر دو نوع محمول نهایت‌پذیر حصولی و غایتمند سازگار است، درست بوده است و حضور عبارت تداومی بر خوانش نمودی هر دو محمول حصولی و غایتمند در زبان فارسی تأثیر دارد و این موضوع به نوع موضوع درونی و ماهیت این محمول‌ها نیز بستگی دارد. در پژوهش‌های آتی می‌توان خوانش نمودی محمول‌های حصولی و غایتمند و دیگر انواع محمول‌های نمودی را در زبان‌ها و گوییش‌های مختلف ایرانی بررسی نمود و نتایج آن را با نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌های مشابه مورد مقایسه قرار داد. همچنین بررسی خوانش نمودی افعال مرکب مشتق از اسم و صفت در کنار عبارت تداومی می‌تواند موضوعی درخور برای پژوهش‌های آتی باشد.

۶. پی‌نوشت‌ها

- | | | |
|---|---|--|
| 1.aspect | 21. W.R. Liao | 41. cumulative |
| 2. grammatical aspect | 22. numeral-classifier | 42. prepositional- |
| 3. lexical aspect | 23. J. Grimshaw | accomplishment |
| 4. state | 24. S. Shiwanda | 43. psycho-achievement |
| 5. activity | 25. neuter-passive | 44. sequence of identical. |
| 6. achievement | 26. Oshindonga | events |
| 7. accomplishment | 27. time frame phrase | 45. multiple events |
| 8. atelic | 28. B. Comrie | interpretation |
| 9. telic | 29. K. Kiss | 46. bare plural |
| ۱۰. درباره این طبقه‌بندی، تقاویت انواع فعل‌ها از لحاظ نمود واژگانی و نیز بحث نهایت‌ناپذیری و نهایت‌ناپذیری در بخش سوم مقاله توضیحات لازم ارائه خواهد شد | 30. C. Smith
31. situation aspect
32. view aspect
33. inner aspect
34. Semelfactive aspect
35. L. Travis
36. H. Verkuyl | 47. sequence of similar event
48. single event interpretation |
| 11. durative phrase | 37. \pm process | 49. transitive activity |
| 12. minimalist | 38. \pm definite | 50. intransitive activity |
| 13. W. Croft | 39. in X time | 51. reversible achievement |
| 14. A. Alsina | 40. for X time | 52. irreversible achievement |
| 15. G. Ramchand | | 53. cyclic achievement |
| 16. B. Borer | | 54. mass noun |
| 17. E. Thompson | | 55. object to event mapping |
| 18. K. Megerdoomian | | 56. D. Dowty |
| 19. time span adverbial | | 57. end-time |
| 20. J. Lin | | |

۷. منابع

- ابوالحسنی چیمه، ز. (۱۳۹۰). انواع نمود واژگانی در افعال فارسی. *مجله ادب فارسی*، ۱ (۶)، ۱۰۱-۱۲۰.
- برزگر، ح.، و کریمی‌دوستان، غ. (۱۳۹۱). نمود واژگانی در افعال مرکب مشتق از صفت در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبانی*، ۱ (۱)، ۴۱-۵۷.
- برزگر، ح.، میردهقان، م.، و کریمی‌دوستان، غ. (۱۴۰۰). نمود واژگانی در افعال مرکب مشتق



- از اسم در زبان فارسی. *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*, ۱۴ (۵)، ۱۹۴-۱۶۷.
- دانش‌پژوه، ف. (۱۳۹۲). ماهیت نمود واژگانی فعل و رابطه آن با تکواز ستاکساز غیرمعلوم -ra در کردی سورانی. *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*, ۱، ۵۳-۸۰.
 - چراغی، ن. و کریمی‌دوستان، غ. (۱۳۹۲). طبقه‌بندی افعال زبان فارسی بر اساس ساخت رویدادی و نمودی. *پژوهش‌های زبانی*, ۴ (۲)، ۶۰-۴۱.
 - صفا، پ. و فلاحی، م. (۱۳۹۵). کاربرد فعل «شدن» در بیان نمود لحظه‌ای-تدامی در زبان فارسی. *جستارهای زبانی*, ۷ (۷)، ۲۱۲-۱۹۷.
 - گفام، ا. (۱۳۹۵). *اصول دستور زبان*. تهران: سمت.
 - لطفی، ی.، کریمی‌دوستان، غ. و گوهری، ح. (۱۴۰۰). نمود واژگانی در گویش لکی. *جستارهای زبانی*, ۱۲ (۴)، ۳۰۵-۳۴۴.

References

- Abolhassani Chimeh, Z. (2011). “Types of lexical aspect in Persian verbs”. *Persian Literature Journal*, 1(6). 101–120. [In Persian]
- Alsina, A. (1999). On the representation of event structure. In T. Mohanan & L. Wee (Eds.), *In grammatical semantics: Evidence for structure in meaning* (pp. 77–122). CSLI Publications.
- Bazegar, H. & Karimi Dostan, Gh. (2017). “Lexical aspect in Persian deadjectival complex predicates”. *Language Researchers*, 8(1), 41-57. [In Persian]
- Bazegar, H. MirDehghan, M. & Karimi Dostan, Gh. (2021). “Lexical aspect in Persian denominal complex predicates”. *Linguistics and Khorasan Dialects*, 14(5), 167–194 [In Persian].
- Borer, B. (2005). *Structuring sense II: The normal course of events*. Oxford University Press.
- Cheraghi, Z. & Karimi Dostan, Gh. (2013). “The classification of Persian verbs based on eventual and aspectual structure”. *Language Researchers*, 4(2), 41–60 [In Persian].

- Čok, T. (2020). Lexical aspect classification for unrelated languages: a case study on Slovenian and Chinese lexical aspect. *Acta Linguistica Asiatica*, 10(2), 49–64.
- Comrie, B. (1976). *Aspect: An introduction to the study of verbal aspect and related problems*. Cambridge University Press.
- Croft, W. (2012). *Verbs: aspect and causal structure*. Oxford university press.
- Daneshpajoh, F. (2013). “The nature of verbal lexical aspect and its relation to-ra-re non active morpheme in Sorani Kurdish”. *Linguistics and Khorasan Dialects*, (1), 53–80 [In Persian].
- Dowty, D. R. (1979). *Word meaning and montague grammar*. Reidel.
- Golfam, A. (2006). *Principle of grammar*. SAMT [In Persian].
- Grimshaw, J. (2000). Locality and extended projection. In Peter Coopmans (Ed), *Lexical Specification and Insertion* (pp.115–133). John Benjamins.
- Kiss, K. E. (2008). Aims and background. In: K.E. Kiss (Ed.), *Event structure and the left periphery: Studies on Hungarian* (pp. 1–15). Springer.
- Liao, W.R. (2014). Process-related durative phrases as numeral-classifier phrases in Chinese. *Taiwan Journal of Linguistics*, 12(2), 59–80.
- Lin, J. (2008). Event decomposition and the syntax and semantics of Chinese durative phrases. In J. Dolling & T. Heyde-Zybatow (Eds.), *Event structures in Linguistic form and interpretation series: Language, context, and cognition*, (pp.31–54). Walter de Gruyter.
- Lotfi, Y. Karimi Dostan, Gh. & Gowhari, H. (2021). “Lexical Aspect in Lake Dialect”. *Language Inquiry*, 12(4), 305–344 [In Persian].
- MacDonald, J. E. (2006). *The syntax of inner aspect*. Doctoral Dissertation in linguistic. University of Stony Brook.
- MacDonald, J. E. (2008). *The Syntactic nature of inner aspect: A minimalist perspective*. Benjamins.

- Megerdoomian, K. (2001). Event structure and complex predicates in Persian. *Canadian Journal of Linguistics/Revue Canadienne de Linguistique*, 46 (1/2), 97–125.
- Ramchand, G. (2003). *First phase syntax*. Ms. Thesis. University of Oxford.
- Safa, P. & Fallahi, M. (2016). “The use of “Shodan” verb in telic aspect in Persian language”. *Language Inquiry*, 7(7). 197–213[In Persian].
- Shiwanda, S. (2018). *Active, passive and neuter-passive verb constructions in Oshindonga: Argument alternation and event structure properties*. Master Thesis, Stellenbosch University.
- Smith, C. (1991). *The parameter of aspect*. Kluwer.
- Thompson, E. (2006). The structure of bounded events. *Linguistic Inquiry*, 37(2), 211–228.
- Travis, L. (2010). *Inner aspect and the structure of VP*. Springer.
- Vendler, Z. (1967). *Linguistics in philosophy*. Cornell University Press.
- Verkuyl, H. (1989). Aspectual classes and aspectual composition. *Linguistics and Philosophy*, 12, 39–94.
- Verkuyl, H. (2000). Events as individuals: an aspectual composition and event semantics. In J. Higginbotham, F. Pianesi & A.C. Varzi (Eds.), In *Speaking of events*, (pp.169–206). Oxford University Press.